

**اظهار نظر کارشناسی درباره:**  
**«لایحه موافقتنامه انتقال محکومان به حبس بین جمهوری اسلامی ایران**  
**و جمهوری ارمنستان»**

**مقدمه**

یکی از اصول حقوق بین‌الملل، اصل همکاری دولت‌هاست که از جلوه‌های آن همکاری‌های حقوقی و قضایی است. عموماً چارچوب حقوقی این همکاری‌ها در موافقتنامه‌های دو یا بعضاً چندجانبه تعریف می‌شود. خود این موافقتنامه‌های چندجانبه، قالب‌های متفاوتی دارند. یکی از این صورت‌ها انعقاد موافقتنامه‌های استرداد مجرمان، همکاری قضایی کیفری یا حقوقی و انتقال محکومان به حبس است. لذا در ابتدا لازم است انواع معاهدات همکاری‌های دوجانبه حقوقی و قضایی و ویژگی آنها روشن شود تا جایگاه لایحه «موافقتنامه انتقال محکومان به حبس بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان» مشخص گردد.

مشخصات لایحه

دوره نهم - سال چهارم

شماره ثبت:

۶۷۷

شماره چاپ:

۱۷۵۳

تاریخ چاپ:

۱۳۹۵/۱/۱۷

معاونت پژوهش‌های

سیاسی - حقوقی

مطالعات حقوقی

۱. **معاهدات راجع به استرداد مجرمین و متهمین:** در این‌گونه از معاهدات، شخصی به‌واسطه رفتار مجرمانه‌ای که در یک کشور انجام داده است و یا متهم به ارتکاب آن است و در سرزمین کشور دیگری حضور دارد مورد تقاضای استرداد قرار می‌گیرد. درواقع در این نوع معاهدات، شخص موردنظر در کشور محل ارتکاب، تحت تعقیب قرار گرفته است و یا حتی حکمی علیه وی صادر شده است، اما به هر دلیل از حوزه صلاحیت این کشور خارج شده است. در این حالت، کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه، از کشور محل حضور مرتکب عمل یا متهم به ارتکاب آن، تقاضای استرداد این شخص را می‌نماید. در این نوع از معاهدات، کشور تقاضاشونده ارائه اسنادی مانند حکم بازداشت و یا حکم قطعی، اسناد مثبت جرم و اطلاعات دیگری را مطالبه می‌کند تا بتواند از ادعای موردنظر اطمینان حاصل کند.

درواقع «استرداد یک فرآیند رسمی است که طی آن دولتی از دولت دیگر می‌خواهد که شخص مورد تقاضای وی و یا فرد متهم و یا محکوم به ارتکاب یکی از جرائم ناقض قوانین کشور تقاضاکننده را به این کشور تحویل دهد. بازگرداندن شخص مورد تقاضا به این دلیل درخواست می‌شود که آن شخص به‌واسطه جرم و یا جرائمی که مرتکب شده است در کشور تقاضاکننده موضوع دادرسی و یا مجازات قرار گیرد»<sup>۱</sup>. موافقتنامه‌های دوجانبه استرداد متهمین و محکومین از قدیمی‌ترین معاهدات در حقوق بین‌الملل هستند و تاریخ انعقاد برخی از آنها به سال‌های پایانی قرن نوزدهم می‌رسد.<sup>۲</sup>

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۴۸۰۴

تاریخ انتشار:

۱۳۹۵/۲/۱۱

1. UNODC Manual on Mutual Legal Assistance and Extradition, Vienna September 2012, p.41.

۲. به‌عنوان مثال موافقتنامه استرداد بین کانادا و اروگوئه به سال ۱۸۸۵ باز می‌گردد.

**۲. معاهدات راجع به انتقال محکومین:** در این نوع معاهدات، شخصی در سرزمین یک کشور مرتکب رفتار مجرمانه‌ای می‌شود. این شخص تبعه کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه نیست؛ این رفتار مجرمانه در آن کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و در نتیجه مرتکب به حبس محکوم می‌شود. کشور متبوع شخص محکوم، به واسطه داشتن علقه سیاسی - حقوقی با آن شخص، متقاضی تحویل وی به خود می‌باشد تا آن شخص مدت زمان محکومیت خود را در زندان‌های کشورش سپری کند. براین اساس، معمولاً در این گونه از موافقتنامه‌ها محکوم خود می‌تواند در صورت وجود شروط دیگر رضایتش را برای انتقال به دولت متبوعش برای سپری کردن محکومیت حبسش اعلام کند. البته در صورت اعلام رضایت شخص محکوم، پذیرش انتقال وی همچنان منوط به اعلام رضایت کشور صادرکننده و درخواست انتقال از سوی کشور اجراکننده حکم است. در واقع محکوم، حق ارائه درخواست را دارد ولی کشورهای صادرکننده حکم و اجراکننده آن مکلف به پذیرش چنین درخواستی نمی‌باشند و اعلام رضایت آنها به عنوان عنصری ضروری از فرآیند تحقق انتقال می‌باشد.

براساس آنچه که بیان شد، تفاوت‌های اساسی بین دو نوع معاهده اول و دوم به چشم می‌خورد: اولاً در معاهدات نوع اول کسب رضایت مجرم یا متهم در امر استرداد شرط نیست درحالی که در معاهدات دسته دوم، رضایت شخص محکوم در امر انتقال تأثیرگذار است. ثانیاً تفاوت عمده دیگری که بین این دو معاهده وجود دارد مسئله نظم عمومی است. در معاهدات نوع اول، واقعیت آن است که نظم عمومی کشور متقاضی استرداد نقض شده است درحالی که در معاهدات نوع دوم نظم عمومی کشور تقاضاشونده نقض شده است. ثالثاً هدف از معاهدات گونه اول تأمین نظم و امنیت کشور متقاضی استرداد است درحالی که در معاهدات نوع دوم بیشتر منافع و مصالح شخص محکوم مورد توجه است.

**۳. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور کیفری:** این نوع موافقتنامه‌ها برای ردیابی متهمان و یا محکومان، تبادل اطلاعات راجع به جرائم و مجرمین و یا مشارکت در تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌های قضایی منعقد می‌شوند. برای مثال می‌توان به ماده (۹) کنوانسیون مبارزه با رشوا و ارتشای مقامات عمومی خارجی در بازرگانی بین‌المللی اشاره کرد که عنوان می‌کند کشورها می‌توانند برای به دست آوردن اطلاعات و مدارک از طریق معاهدات همکاری قضایی دوجانبه وارد عمل شوند. در واقع هدف اصلی این نوع از معاهدات آن است که مقامات مجری قانون بتوانند مدارک و دیگر اقدامات شکلی لازم در خارج از کشور را به نوعی که در دادگاه‌های کشور تقاضاکننده قابل پذیرش است تدارک ببینند.<sup>۳</sup>

**۴. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور مدنی:** این معاهدات بیشتر در قالب معاهدات آموزش نیروها، نگارش و تدوین پیش نویس قوانین، شناسایی آرای محاکم، ابلاغ اوراق قضایی، جلب نظر کارشناس و ... منعقد می‌شوند.

### بررسی کلیات لایحه

اساساً درک موافقتنامه‌های همکاری قضایی و حقوقی بین کشورها مبتنی بر احساس نیاز طرف‌های این اسناد است. نوع و گستره همکاری‌ها برگرفته از وضعیت مبتلابه کشورهای می‌کنند. لذا با توجه به موضوع این موافقتنامه که مربوط به انتقال محکومین است باید خاطر نشان ساخت اگر بتوان موافقتنامه‌های همکاری میان کشورها را

3. Typology on Mutual Legal Assistance in Foreign Bribery Cases, p 3&13, available at: <http://www.oecd.org/daf/anti-bribery/TypologyMLA2012.pdf>

به دو دسته: ۱. همکاری برای نیل به حداکثر منافع و ۲. موافقتنامه‌های حل معضل تقسیم کرد، موافقتنامه حاضر در زمره دسته دوم قرار می‌گیرد.

فارغ از مسئله‌ای که بیان شد باید عنوان کرد انعقاد چنین موافقتنامه‌هایی در کنار تمام امتیازاتشان برای محکومین و بهبود فرآیند جامعه‌پذیری آنها، اهمیت خاصی برای کشورهای طرف موافقتنامه دارد. به این تعبیر که مسئولیت‌پذیری این کشورها را درخصوص اتباعشان نشان می‌دهد. یعنی مؤید آن است که کشورها درخصوص سرنوشت اتباعشان نگران هستند و برای حفظ منافع آنها تا حد امکان فعالیت می‌نمایند و در این راستا با کشورهای دیگر همکاری می‌کنند.

کلیت این موافقتنامه همانند موافقتنامه‌های مشابه دیگر شامل یک دسته شرط برای انتقال محکومین و استثناهای وارده بر انتقال است و مفاد دیگر آن برای روشن ساختن نحوه همکاری و اجرای حکم درخصوص شخص منتقل شده می‌باشد. از جهت این کلیات باید عنوان کرد که موافقتنامه حاضر در واقع در شکل مرسوم موافقتنامه‌های انتقال محکومین منعقد شده است.

### بررسی معاهده

همان‌طور که از نام موافقتنامه حاضر برمی‌آید، موضوع این سند در قالب نکاتی که درخصوص دسته دوم از معاهدات همکاری قضایی و حقوقی در مقدمه ذکر شد، قرار می‌گیرد.

درخصوص مفاد این موافقتنامه چند نکته کلی قابل تأمل است که برخی از آنها به ترجمه نادرست تعبیر و برخی به استفاده نادرست از اصول بازمی‌گردد. موارد قابل ذکر در رابطه با این سند ذیلاً اشاره می‌گردد:

۱. تعبیر «حاکمیت سرزمینی» باید جایگزین عبارت «حاکمیت کشوری» شود.

۲. اشاره به «اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی» در مقدمه این موافقتنامه با هدف این سند بی‌ارتباط است. این تعبیر در اسناد مربوط به مخاصمات مسلحانه به کار می‌رود.

۳. در ماده (۱) از ترکیب نادرست «جرم کیفری» استفاده شده است که عبارت صحیح آن «جرم» است.

۴. در بند «۶-۱» ماده (۶) از تعبیر «فعل کیفری» استفاده شده است که عبارت صحیح آن «رفتار مجرمانه» است.

۵. به نظر می‌رسد بند «۴» ماده (۲) موافقتنامه درخصوص مساعدت دولت اجراکننده رأی برای پاسخ به سؤالات مربوط به تعهدات بین‌المللی در راستای تعهدات جمهوری ارمنستان در قالب کنوانسیون حقوق بشر اروپایی مقرر شده است. به این معنی که ممکن است ارمنستان به واسطه تعهدات حقوق بشری خود در قالب کنوانسیون حقوق بشر اروپا مورد شکایت قرار گیرد و به واسطه این بند خواسته تا در صورت انتقال محکوم همچنان بتواند با وی در ارتباط باشد تا در صورت لزوم پاسخگوی ابهامات باشد.

۶. نکته دیگر درخصوص مقامات صلاحیتدار طرفین است. با وجود اینکه در اکثر موافقتنامه‌های انتقال و استرداد، وزارت دادگستری از طرف ایران، مقام صلاحیتدار معرفی شده است در ماده (۳) موافقتنامه حاضر قوه قضائیه مقام صلاحیتدار معرفی شده است. این تفاوت می‌تواند موجب اخلال کارها شود و یکپارچگی اجرایی را مختل نماید.

۷. این موافقتنامه نیز همانند موافقتنامه‌های دیگر انتقال محکومین از یک روند دومارحله‌ای اعلام رضایت برای انتقال محکوم به حبس تبعیت نموده است. یعنی هم خود محکوم به حبس باید نسبت به انتقال خود رضایت دهد و هم کشور

صادرکننده و هم کشور اجراکننده حکم باید با چنین انتقالی موافقت نمایند. به موجب ماده (۴) این موافقتنامه برای انتقال لازم است که درخواست انتقال مقام صلاحیتدار طرف‌ها منضم به درخواست خود محکوم یا اقوام وی یا نماینده قانونی او شود. در واقع برای ارائه درخواست انتقال، اراده دولت‌ها در عرض اراده محکوم قرار گرفته است. البته به موجب بند «۷-۱» ماده (۶) تصمیم نهایی برای انتقال با کشورهای طرف موافقتنامه است.

گفتنی است انعقاد و اجرای چنین موافقتنامه‌ای در واقع شناسایی احکام کیفری را نیز با خود به همراه دارد. این نکته از آنجا ناشی می‌شود که کشور اجراکننده حکم با پیش‌شرط‌هایی روبرو است که از جمله آن تعهد به عدم تبدیل محکومیت حبس به مجازات دیگر، عدم بازنگری در حکم، آزاد نمودن محکوم در صورت اینکه حکم توسط دادگاه کشور صادرکننده آن باطل اعلام شود و... (مواد (۱۴) تا (۱۶)).

نکته قابل تأمل آنکه، اصلاح این موافقتنامه در ماده (۲۱) مورد اشاره قرار گرفته است و موضوع آن تنظیم پروتکل اصلاحی است؛ پروتکل الحاقی از منظر حقوق بین‌الملل معاهده تلقی می‌شود و هر معاهده بنابر تصریح اصول هفتادوهفتم و یکصدویست‌وپنجم قانون اساسی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد؛ این در حالی است که در این ماده به رعایت اصول هفتادوهفتم و یکصدویست‌وپنجم قانون اساسی ایران - که رعایت آن در خصوص پروتکل الحاقی به‌عنوان یک معاهده نیز لازم است - اشاره نشده است. از آنجا که که تهیه پروتکل اصلاحی به نحو مقرر در این موافقتنامه به تنهایی و به صرف تصویب دولت، موجد الزام برای کشور نخواهد بود و نیازمند تصویب مجلس است تا برای کشور ایجاد الزام نماید و از آنجا که این نکته در موافقتنامه مغفول مانده است باید تبصره‌ای به ماده واحده تصویب با مضمون رعایت این اصول در خصوص ماده (۲۱) موافقتنامه در خصوص جمهوری اسلامی ایران، الحاق کرد.

### نتیجه‌گیری

پیشنهاد می‌شود که با توجه به مصالح ناشی از اجرای این موافقتنامه برای کشور و اتباع آن، به شرط اضافه شدن تبصره زیر به ماده واحده، موافقتنامه به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد:

**تبصره - «اجرای ماده (۲۱) موافقتنامه در خصوص جمهوری اسلامی ایران منوط به رعایت اصول هفتادوهفتم و یکصدویست‌وپنجم قانون اساسی است».**

